

دروش سخن بخاطر آن قهری آید گوش دار چون غایت ابدیه برنده برسد خطاب رسیده
ای فرشتگان رحمت من سینه را بگردانید. غل سینه کی برگردد نشنید و در سخن عجبش فریاد
نخورد بر گوش خنید و ویرایش عاشقان با بریدوی از ان غا ازان وی از کرم او
امیدواریم که بان سعادت برساند نصیب عارفانست که قدم در محبت ذاتی زند
حق استوی عنده القهر واللطف عاصم بر قهر و لطف من بکس ای محب من عاشق من بود
معنی سخن شرح آنست چون عذاب کا فر اکت سبب آنرا بیان کرد **انکه کان برستی**
که این کافر بود در دنیا **لا یؤمن بالله العظیم** که ایمان نمی آورد بخدای بزرگوار
ولا یحیی علی طعام الحیة و بر نمی انگخت یعنی رغبت نمیداد و خور و خور را بر دانا
خوردن مگر کدی را یعنی خود بخیل بود و دیگر را نمی فرمود بخیر و طعام دادن بر آنکس
بخیلی بر جسد است بعد از کرم هیچ خبر بر ترازوی نیست و بعد از ایمان هیچ نیکوتر از نماز
نیست سبب عذاب قیامت دو چیز شد ایمان ن آوردن و بخیلی کردن **فلیس یسئلت**
له الیوم همین کافر ارم و زمینا یعنی در قیامت حجتی دوستی نزدیک که شفاعت
کند و پراورم کند بروی **والاحیام** و نیست مری را خوردن **الامن غشیان** که از آن
دو زبان را از نوم خوردن با کشد و بعضی را صبح و بعضی را غشیان پس تا نصیب
لایاک که خوردن غشیان را **الانطیون** که کینه کاران خطا را صبح

کینه کرد که در انی الکشف یعنی خورد غشیان را که کاران نمود ما الله من ذلک نصیب
دروش آنست که در اکل ایمان و دادن ایمان سنی باید **قل لا اقسیم بس سوکنید یا دی کم من**
خداوند عالم **بما تبصرون** بحجت آنچه می بیند **وما لا تبصرون** و بحجت آنچه نمی بیند
انکه بدستی که قرآن **لقول ستر** آنکه کفار رسول فرستاده شد **کسیر کرمی**
و بزرگت و آن جز نیست که از حق تعالی قرآن را می آرد بان نوع که بوی رسیده است
بطریق رسالت او امیکند معنی کرمت آنچه می بیند از آثار قدرت و صفات حضرت
و بحمت ذات پاک خداوند که نمی بیند که او را توانست کلام خداوند قدم که می آرد
او را رسول کرم و نیست آن سخن شاعر و کاسن نصیب دروش آنست که هر موجودی
قابم حضرت او بیند تا محل بر کند شود و مرید چشم صورت بکشی چشم سیرت تا شرق و غرب
معنی سلطان من **کرش اللهم اصلنا من اهل المشا بده** و یقین و لا یصل من اهل العقدة
و یحیی من کزان **و کفنته** قرآن سخن شاعر است حق تعالی **کانت و ما هو بقول ستر**
دست قرآن کفار شاعر قافیه کوی **قلیلا** اما اندک از شما که قرآن **تؤمنون**
میکردید **ولا یقول کاهن** و نیست قرآن کفار کاسن فال کوی **قلیلا** اما اندک از شما
اندک از شما ندید سیکر که با ما را چیده است تا تو بلای حق رحمت **العالمین** قرآن فرستاده
شده است از پروردگار عالمیان برسد هر سخن بزبان جبریل امین **ولی رسول**

باران و
دخان
و شیشا